

إدما

صنف
معنى
عمل

أداة شرط

تعليق و ترتب و وقوع جزء بر شرط (اگر)

تجزم فعلين

نحو قوله: و إِنَّكَ إِذَا تَأْتِ مَا أَنْتَ أَمْرٌ * بِهِ تُلْفِ مَنْ إِيَّاهُ تَأْمُرُ آتِيَا

همانا تو اگر انجام دهی آنچه را که تو امرکننده‌ای به آن، می‌یابی کسی را که امر کرده‌ای او را، آورنده‌ی آن

ص: مانند {إن} شرطیه است، نوعاً و عملاً و معنا. زیرا این کلمه مرکب از {إذ} و {ما} بوده و بعد از آنکه {إذ} با {ما} ترکیب شد، مانند شیء واحد است، و دیگر معنای اول خود را که ظرفیت بوده از دست می‌دهد و روی هم به علت وجود جزء حرفی و قدرت تضعیفی آن، یک حرف می‌گردند، همانند: {حَبْدًا} که بعد از ترکیب، لفظ {حَب} معنای فعلی خود را بنابر رأی بعضی از نحویین از دست می‌دهد. و به علت غلبه شرافت اسم، به همراه {ذا} یک اسم می‌شوند (التصريح على التوضيح، ۲/ ۹۹ و ۲/ ۲۴۸)

و هي حرف عند سيبويه بمنزلة {إن} الشرطية

اقوال پیرامون نوع آن

و ظرف عند المبرد و ابن السراج و الفارسي

ص: ظرف زمان و به معنای {متی} است، زیرا اصل آن، {إذ} ظرفیه بوده و هنگامی که متضمن معنای شرطیت باشد، {ما} زائده برای فرق بین شرطیه و ظرفیه، ملحق به آن شده است

او قائل به حرفیت آن است، قال ابن هشام: جازم الفعلين و هو أربعة أنواع: حرف باتفاق و هو {إن} و حرف على الأصح و هو {إذ} ما { و اسم باتفاق و هو مَنْ، ما، متى، أي، أين، أيان، أتي و حيثما؛ و اسم على الأصح و هو {مهما} (شذورالذهب ۳۳۴)

ص: نظر ابن هشام

ص: صحيح این است که عمل آن، هم در ضرورت و هم در اختیار و نثر است لکن اصل عمل آن قلیل است

و عملها الجزم قلیل لا ضرورة؛ خلافاً لبعضهم

محدوده‌ی عمل (شعر یا نثر)